

## کوهی از غم

کوهی از غم، در جان مانده  
دل مُحْتَاجِ قطره‌ای، باران مانده  
مثلِ بَرگِ، خُشک و زَرَدَم  
اَمَّا سَبز از این گویر، بَرمی‌گَرَدَم

\*\*\*\*

نمازِ بارانم تو  
عیان و پنهانم تو  
عزیزتر از جانم تو  
أَبی عَبدِالله

\*\*\*\*

خُمارِ چَشمَانَت من  
و دست به دامنَت من  
شَوَم به قُربَانَت من  
(أَبی عَبدِالله) ۲

\*\*\*\*

غَمَتِ دِلَم را، (نِشانه دارد) ۳  
برای ماندن، (بِهانه دارد) ۳

\*\*\*\*

(أَبی عَبدِالله) ۱۶

\*\*\*\*

جَذَبِم گرده، بَرقِ چَشمَت  
در تِمثالِ تو شُدَم غرقِ چَشمَت

\*\*\*\*

دیدم با تو، تقدیرم را  
داده دَسَتِ تو خُدا زنجیرم را

\*\*\*\*

نِشسته در فَاَلَم تو  
گَبوتَرَم، بَاَلَم تو  
شُرُوعِ هر سَاَلَم تو  
أَبی عَبدِالله

\*\*\*\*

هَمیشه دُنْبَالَت من  
پِی نَخِ شَالَت من  
أَسیرِ تِمثَالَت من  
أَبی عَبدِالله

\*\*\*\*

به غَیرِ گَریه، (نَمانده راهی) ۳  
گُناهِ عشقِ اَسَت، (عَجَبِ گُناهی) ۳

\*\*\*\*

(أَبی عَبدِالله) ۵